

« بیانیه دانشجویان سوسیالیست پیرامون ۸ مارس ۲۰۰۹ »

تاریخ تمام جوامع طبقاتی تا کنون، تاریخ ستم جنسی سازمان یافته علیه زنان است. ستمی که در نظام



سرمایه داری به اوج رسیده و به گونه ای مضاعف و هوشمندانه تر بر زنان اعمال می شود. اگرچه تمام آحاد بشری در نظام سرمایه داری جهانی به بند کشیده شده اند و به طرق گوناگون استثمار می شوند، زنان، به حکم منطق سودمحور سرمایه و در نظام تقسیم کار منحن سرمایه داری، از جهات مختلف و گاه

بسیار پیچیده تر از مردان استثمار می شوند و موقعیتشان، تجلی بردگی نوین در نظام سرمایه داریست.

تهاجم و یورش های هر روزه سرمایه داری به طبقه کارگر، که به ویژه در پرتو بحران های اقتصادی متناوب آن شدت و فزونی می گیرد، حداقل زندگی انسانی و بهره مندی از حقوق بدیهی انسانی را از طبقه کارگر می رباید و این نظام و عوامل سرمایه، دائما در صدد پس گرفتن اندک دستاوردهای کارگران در طی دهه های متمادی مبارزه طبقاتی شان اند. بدین ترتیب است که زنان کارگر، که بخش اعظمی از جمعیت زنان را در سراسر جهان تشکیل می دهند، از جوانب مختلف و همزمان مورد تعرض سرمایه داری قرار می گیرند، هم ستم جنسی و هم ستم طبقاتی. این مسئله به ویژه در ایران، که تحت حاکمیت سرمایه داری اسلامی است حاد تر هم می شود، چراکه این بار مذهب نیز انواع ستم ها بر زنان را کانالیزه و ایدئولوژیزه کرده و آنها را تقویت می نماید.

از این روست که جنبش زنان، اگرچه در بدو امر ماهیتی دموکراتیک می یابد، اما بی قید و شرط به جنبش طبقه کارگر پیوند می خورد و پیشروی آن در گرو پیشروی مبارزات طبقاتی تحقق می یابد. لیبرالیسم تاریخی و مکررا ثابت کرده است که در پیگیری حقوق انسانی، ولو کف حقوق دموکراتیک انسان ها، ناکافی و ناپیگیر است؛ از این جهت، این وظیفه سوسیالیست هاست که در تمام جنبش ها فعالانه در راستای احقاق حقوق و خواست های انسان ها مبارزه کنند.



جنبش زنان اگرچه مستقل از دیگر جنبش های اجتماعی است، اما بدون شک اولاً جنبشی عمیقاً سیاسی و رادیکال است و در ثانی در پیوند ناگزیر با دیگر جنبش ها با محوریت جنبش طبقه کارگر معنا می یابد. بنابراین، استقلال جنبش زنان، نه آن چنان که لیبرال ها با ریاکاری هدفمند تبلیغ می کنند، نه با ایزوله کردن جنبش زنان و گسست از دیگر جنبش ها و نه با ادعای غیر سیاسی بودن این جنبش پیش نمی رود، چنان که بزرگترین تجربه فمینیسم لیبرال- کمپین یک میلیون امضا_ بی نتیجه بودن و سترونی لیبرالیسم را به خوبی برملا نمود.

بنابراین، رویکرد سوسیالیستی در جنبش زنان، برای مرزبندی قاطع با هرگونه رفرمیسم و پس زدن گرایش لیبرالی که متأسفانه هنوز در جنبش زنان حضور پررنگی دارد، بایستی علاوه بر نقد بی رحمانه لیبرالیسم در جنبش زنان، بر مبنای استراتژی واحد سوسیالیستی وحدت و انسجام بیابد. بدون شک، احقاق حقوق و خواسته های زنان، در گرو توده ای شدن مبارزات آنان و جوش خوردن با مبارزه طبقاتی جاری کارگران میسر خواهد بود. از این رو، **تشکل مستقل زنان**، یک راهکار عملی و استراتژیک است که لزوماً باید در دستور کار همه فعالین سوسیالیست جنبش زنان قرار بگیرد. همان طور که بر ضرورت تشکل یابی کارگران و نیز تشکل های مستقل دانشجویی و معلمان تأکید می گردد، این خواست مشخص در جنبش زنان نیز، حاکی از بلوغ سیاسی جنبش زنان، و گام بعدی چالش های نظری و سیاسی با گرایش لیبرال که تا کنون جریان داشته خواهد بود. **اتحاد، استراتژی واحد سوسیالیستی و گام نهادن به مبارزه عملی**، اینست رمز پیشروی جنبش رهایی زنان.

گرامی باد ۸ مارس، روز مبارزه زنان علیه ستم جنسی و طبقاتی

پیش به سوی تشکل های مستقل و توده ای زنان!

زنده باد سوسیالیسم!

دانشجویان سوسیالیست دانشگاه های ایران

مارس ۲۰۰۹